

Get Straight to the Point: 4 Communication Idioms

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

88 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Martin, did the workshop organisers finally confirm your place?

مارتین، برگزارکنندگان کارگاه بالاخره جای تو را تأیید کردند؟

They sent me a very long email.

آنها یک ایمیل خیلی طولانی برایم فرستادند.

What did it say?

چه نوشته بودند؟

First they thanked everyone.

اول از همه تشکر کردند.

Then they explained how popular the workshop is.

بعد توضیح دادند که کارگاه چقدر محبوب است.

After that, they described the building.

سپس ساختمان را توصیف کردند.

Martin, get straight to the point.

مارتین، مستقیم برو سر اصل مطلب.

Fine.

باشه.

My place is not confirmed.

جای من تأیید نشده است.

They were beating around the bush.

داشتند از اصل مطلب طفره می‌رفتند.

Yes.

بله.

If I read between the lines, someone may have cancelled and I am next on the waiting list.

اگر از بین سطرها منظورشان را بفهمم، شاید کسی انصراف داده و من نفر بعدی در فهرست انتظار باشم.

Did they promise another update?

قول دادند خبر تازه‌ای بدهند؟



Yes.

بله.

They said they would keep me posted.

گفتند مرا در جریان می‌گذارند.

Excellent.

عالی است.

Four expressions before the introduction.

چهار عبارت پیش از مقدمه.

Welcome to Your English Toolbox.

به Your English Toolbox خوش آمدید.

I am Martin.

من مارتین هستم.

And I am Julia.

و من جولیا هستم.

Today we are exploring lesson ten of our free Idiom Toolbox course: Communication.

امروز درس دهم دوره رایگان Idiom Toolbox را بررسی می‌کنیم: ارتباط.

Find the course at youenglishtoolbox.com.

دوره را در youenglishtoolbox.com پیدا کنید.

Open the Idioms section and choose lesson ten, Communication.

بخش Idioms را باز کنید و درس دهم، Communication، را انتخاب کنید.

You will find a slow dialogue, clear meanings, examples and interactive practice.

در آنجا گفت‌وگویی آهسته، معنی‌های روشن، مثال‌ها و تمرین تعاملی خواهید یافت.

The direct link is also in the episode description.

پیوند مستقیم نیز در توضیحات قسمت آمده است.

Let us begin with get straight to the point.

با get straight to the point شروع کنیم.

To get straight to the point means to say the important thing immediately.

To get straight to the point یعنی نکته اصلی را بی‌درنگ گفتن.

For example: Let us get straight to the point.

برای مثال: مستقیم برویم سر اصل مطلب.

We cannot finish the project today.

امروز نمی‌توانیم پروژه را تمام کنیم.



Or: She got straight to the point and asked whether I wanted the job.

یا: او مستقیم رفت سر اصل مطلب و پرسید آیا آن شغل را می‌خواهم.

This expression values clarity.

این عبارت بر روشنی تأکید دارد.

It is direct, but your tone determines whether it sounds helpful or rude.

مستقیم است، اما لحن شما تعیین می‌کند مفید به نظر برسد یا بی‌ادبانه.

And learn the full expression: get straight to the point.

و عبارت کامل را یاد بگیرید: **get straight to the point**.

Our second idiom is beat around the bush.

اصطلاح دوم ما **beat around the bush** است.

To beat around the bush means to avoid saying something directly, usually because the subject is uncomfortable.

یعنی از گفتن مستقیم چیزی خودداری کردن، معمولاً چون موضوع ناراحت‌کننده است **To beat around the bush**.

For example: Stop beating around the bush and tell me what happened.

برای مثال: دیگر حاشیه نرو و بگو چه اتفاقی افتاد.

Or: He beat around the bush before admitting that he had lost the keys.

یا: پیش از آنکه اعتراف کند کلیدها را گم کرده، از اصل مطلب طفره رفت.

It is often critical.

این عبارت اغلب انتقادی است.

You are saying that someone is taking too long to reach the real subject.

یعنی کسی بیش از حد طول می‌دهد تا به موضوع اصلی برسد.

So get straight to the point and beat around the bush are almost opposites.

پس **get straight to the point** و **beat around the bush** تقریباً متضادند.

One moves directly to the main message.

یکی مستقیم به پیام اصلی می‌رسد.

The other avoids it.

دیگری از آن دوری می‌کند.

Our third expression is read between the lines.

عبارت سوم ما **read between the lines** است.

To read between the lines means to find a meaning that is suggested but not stated directly.

یعنی معنایی را فهمیدن که اشاره شده، اما مستقیم بیان نشده است **To read between the lines**.

The workshop email sounded positive, but it did not promise Martin a place.

ایمیل کارگاه مثبت به نظر می‌رسید، اما جایی را به مارتین وعده نمی‌داد.



He noticed what the organisers did not say.

او به چیزی توجه کرد که برگزارکنندگان نگفتند.

For example: If you read between the lines, her polite reply is actually a refusal.

برای مثال: اگر منظور پنهان را بفهمید، پاسخ مؤدبانه او در واقع جواب منفی است.

We can read between the lines of an email, message, conversation or tone.

می‌توانیم از میان سطرهای یک ایمیل، پیام، گفت‌وگو یا لحن، منظور پنهان را بفهمیم.

We use real clues; we do not simply invent a meaning.

از نشانه‌های واقعی استفاده می‌کنیم، معنایی را از خودمان نمی‌سازیم.

Our fourth expression is keep someone posted.

عبارت چهارم ما keep someone posted است.

To keep someone posted means to continue giving that person the latest information.

یعنی همچنان تازه‌ترین اطلاعات را به کسی دادن To keep someone posted.

For example: I will keep you posted about the interview.

برای مثال: تو را درباره مصاحبه در جریان می‌گذارم.

Or: Please keep us posted on any changes.

یا: لطفاً ما را در جریان هر تغییری بگذارید.

Notice the pattern: keep someone posted about or on something.

به الگو دقت کنید: keep someone posted about یا on something.

We can also simply say: Keep me posted.

همچنین می‌توانیم فقط بگوییم: Keep me posted.

Let us compare all four idioms.

بیایید هر چهار اصطلاح را مقایسه کنیم.

Get straight to the point means say the important thing immediately.

یعنی نکته اصلی را بی‌درنگ گفتن Get straight to the point.

Beat around the bush means avoid saying something directly.

یعنی از گفتن مستقیم چیزی خودداری کردن Beat around the bush.

Read between the lines means understand a meaning that is suggested but not stated.

یعنی فهمیدن معنایی که اشاره شده، اما بیان نشده است Read between the lines.

And keep someone posted means continue giving someone the latest information.

و keep someone posted یعنی همچنان کسی را در جریان تازه‌ترین اطلاعات گذاشتن.

Time for a quick challenge.

وقت یک چالش سریع است.



Choose the best expression before we answer.

پیش از پاسخ ما، بهترین عبارت را انتخاب کنید.

Situation one.

موقعیت اول.

Your colleague gives a long introduction, but you need the main message now.

همکاران مقدمه‌ای طولانی می‌گویند، اما شما همین حالا به پیام اصلی نیاز دارید.

Ask them to get straight to the point.

از او بخواهید مستقیم برود سر اصل مطلب.

Situation two.

موقعیت دوم.

A friend avoids explaining why they missed the meeting.

دوستی از توضیح اینکه چرا جلسه را از دست داده طفره می‌رود.

They are beating around the bush.

او دارد از اصل مطلب طفره می‌رود.

Situation three.

موقعیت سوم.

A polite message suggests disappointment without stating it.

پیامی مؤدبانه بدون بیان مستقیم، ناامیدی را نشان می‌دهد.

You need to read between the lines.

باید منظور پنهان را بفهمید.

Situation four.

موقعیت چهارم.

A technician promises to tell you whenever there is progress.

یک تکنسین قول می‌دهد هر زمان پیشرفتی بود به شما خبر بدهد.

The technician will keep you posted.

تکنسین شما را در جریان می‌گذارد.

Now complete this sentence about your own life.

حالا این جمله را درباره زندگی خودتان کامل کنید.

Please keep me posted about...

مرا درباره موضوع در جریان بگذارید.

Continue with lesson ten in the free Idiom Toolbox course at yourenglishtoolbox.com.

درس دهم دوره رایگان Idiom Toolbox را در yourenglishtoolbox.com ادامه دهید.



Use the retrieval practice to recall the four idioms without looking at the answers.

.....
از تمرین بازیابی استفاده کنید تا چهار اصطلاح را بدون نگاه کردن به پاسخ‌ها به یاد بیاورید.

The direct link is in the episode description.

.....
پیوند مستقیم در توضیحات قسمت آمده است.

So, will the organisers keep you posted?

.....
پس برگزارکنندگان شما را در جریان می‌گذارند؟

They promised to email tomorrow.

.....
قول دادند فردا ایمیل بزنند.

And what will you do until then?

.....
و تا آن موقع چه کار می‌کنی؟

I will try not to read between every possible line.

.....
سعی می‌کنم از میان هر سطر ممکن دنبال معنای پنهان نگردم.

That sounds wise.

.....
منطقی به نظر می‌رسد.

But if they send another five-paragraph email, I am starting at the final sentence.

.....
اما اگر یک ایمیل پنج‌بندی دیگر بفرستند، از جمله آخر شروع می‌کنم.

You are learning to get straight to the point.

.....
داری یاد می‌گیری مستقیم بروی سر اصل مطلب.

See you next time, friends.

.....
تا دفعه بعد، دوستان.

Goodbye.

.....
خداحافظ.

